

شاخص‌بندی هوش معنوی پیرامون وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره)

مجتبی نوروزی^{۱*}، زهره مرندي^۲

چکیده

طرح معنویت یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در دنیای صنعت‌دیده و فناورانه امروز عامل پیوند سنت و تجدد است. ایمان، باور و اعتقاد درونی زمینه‌ساز آن چیزی است که در پرتوی معنویت آن را هوش معنوی نام می‌نهند. سرمایه معنوی هم سازنده و هم برساخته جامعه است. هم‌زمان با رشد جوامع، فرد برای ایجاد تحول و تغییر نیازمند بینشی است که بتواند اهدافش را معنا دهد، ظرفیت و توانایی او را در مسیر تحول شکوفا سازد و عامل مهمی در مقابله با ناپایداری‌ها و پلیدی‌ها باشد. رابرت ایمونز یکی از نظریه‌پردازان در حوزه هوش معنوی است که تلاش کرده با شاخص‌بندی آن هوش دینی و تأثیر آن بر پیرامون بشر را مورد تحلیل قرار دهد. در این پژوهش تلاش شده تا وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره) به‌عنوان متنی کاویده شود که دارای عناصر هوش معنوی است. تفکر انتقادی، معناسازی، آگاهی - متعالی و خودآگاهی برتابیده از نظریه ایمونز دغدغه اصلی این پژوهش در تبیین وصیت‌نامه است. لذا در پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین شاخصه‌های هوش معنوی در متن وصیت‌نامه امام راحل چیست؟ این پژوهش از مواهب اخلاقی و ایمانی اندیشه امام (ره) مانند خط‌پذیری، تربیت دینی، مسئولیت‌پذیری و آزادگی، معنادهی به زندگی و هدف بر بیش ایمانی، عمل به دستورات دینی و پیروی از منادیان آن و آگاهی از توانایی‌های انسانی و دینی خویش در تأثیرگذاری بر جامعه است. با مجموع این عوامل می‌توان به هوشمندی معنوی در پایان بخشیدن به باطل و محقق ساختن حقیقت در وصیت‌نامه امام (ره) نظری افکنده شود.

کلید واژه‌ها: هوش معنوی، رابرت ایمونز، وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره)

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد m.norouzi88@yahoo.com

۲. دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان. Zohreh_marandi@yahoo.com

* نویسنده مسئول: m.norouzi88@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

مقدمه

با وجود پیشرفته‌ای علمی و تکنولوژیکی عصر حاضر، همواره آسیب‌هایی بر جوامع بشری متحمل است که آسایش حاصل از آن را با چالش روبرو کرده است. آسیب‌هایی که ناشی از نگرش مادی درون این بدنه تکنیکی است و حاکمیت آن، زندگی فرد را با خلاهایی مواجه ساخته است. از این رو ضرورت دین و نگرش اخلاقی آن یکی از دغدغه‌های محققان در شناخت علوم است. این دغدغه امکان پژوهش در حوزه معنویت را در بسیاری از رشته‌های علمی چون روانشناسی، انسان‌شناسی، علوم شناختی، اجتماعی و حتی مدیریت فراهم آورده است (سهرابی، ۱۳۸۷: ۱۴). ضرورت طرح معنویت در شناخت انسان از بعد روانشناختی و جامعه‌شناختی دارای اهمیت دوچندان است. چندبعدی بودن انسان از یک سو و تأثیر کاربردی دین و معنویت در اجتماع از دیگر سو می‌تواند نقش مهم آن را نمایان سازد (وست‌ویلیام، ۱۳۸۳: ۲۵).

تأثیر معنویت بر جهت‌گیری‌های فرد در پیشبرد زندگی؛ انسانیت، فعالیت و مسئولیت را به بار می‌آورد (Gibbons, 2001: 53). یکی از مفاهیم مطرح در حوزه معنویت سرمایه معنوی است که حاصل برسازهای اجتماعی در قالبی دینی است و به سه بعد دلبستگی به خدای متعال، داشته‌های دینی و اثربخشی دین در معنادگی به زندگی تقسیم می‌شود (Gracia, 2012: 122). و (Waeftford, 2007: 15). نگرش فرد به مؤلفه‌های دینی و میزان هوش معنوی او می‌تواند به شکل‌گیری سرمایه معنوی و قابلیت‌های آن در هموار ساختن زندگی اجتماعی بیانجامد. در قالب یک تعریف، هوش معنوی (SQ) هوشی است که امکان دسترسی به معنای عمیق، ارزش‌های اساسی و درک همیشگی هدف زندگی را می‌دهد (Zohar & Marshall, 2004: 65).

معادل‌سازی نظریه هوش معنوی در اسلام گستره قابل‌توجهی دارد به طوری که می‌توان نمودهای واقعی آن را در سرزمین‌های اسلامی یافت. با نگاهی تاریخی به اسلام و بررسی سیره و سلوک مسلمانان، مؤمنان و ایمانیان، آن‌هایی که به تعالی‌بخشیدن خود و جامعه (شهود قدسی در ساحت معرفت و الوهیت در ساحت وجود) پرداخته‌اند (مهرابی، ۱۳۹۲: ۶). دارای قدرت و مهارتی هستند که مفهوم هوش معنوی را برآورده می‌سازند. از آنجا که پیامبران و امامان به‌عنوان هادیان جامعه توسط خداوند به این امر خطیر منصوب گشته‌اند تا بتوانند بشر و زندگی او را به کمال طبیعه برسانند؛ نمونه واقعی هوش معنوی‌اند که راهبردهای دینی در زندگی بشری را با بسط احکام اسلامی و انتظامی اجرا می‌سازند. این مسئولیت در ادامه به فقهای شیعه تفویض گشته است (معرفت، ۱۳۸۷، فصل سوم). که تجلی هوش معنوی در آنان و کاربرد آن در زندگی اجتماعی مشهود است. در این مقاله، هوش معنوی امام‌خمینی (ره) در رهبری انقلاب اسلامی و ساختارسازی جامعه‌ایران بر مبنای آن با بررسی پیرامون وصیت‌نامه الهی - سیاسی و تامل در آرا و نظریات ایشان مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱. هوش معنوی: مفهوم شناسی

یکی از مفاهیم روانشناختی در بستر معنویت هوش معنوی است. رابرت ایمونز یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در این حوزه (۲۰۰۰) به مفهوم‌سازی از آن پرداخته است (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۸: ۷۰). او هوش معنوی را چارچوبی برای شناسایی و سازماندهی توانایی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای کاربرد انطباقی معنویت مطرح کرده است (Emmons, 2000: 163). پس از ایمونز بسیاری از علاقمندان در این حوزه به ارائه نظریاتی در خصوص این مفهوم پرداختند. ولمن هوش معنوی را این‌گونه تعریف می‌کند: ظرفیت انسان در پرسش از سؤالات غایی در بستر زندگی و هم‌زمان تجربه ارتباط بین فرد و جهانی که در آن زندگی می‌کند. او نتیجه می‌گیرد که هوش معنوی موضوعات ذهنی را با تکالیف بیرونی جهان واقعی ادغام می‌کند (Wolman, 2001: 4). معنویت یک فرد و توانایی‌ها، ظرفیت‌ها، علایق و منابع وابسته به آن، ابزارهای اصلی را برای کاربرد انطباقی هوش معنوی فراهم می‌کند. هوش معنوی در معنایی که افراد به روابط و تجربه‌های زندگی نسبت می‌دهند و در روشی که افراد به‌واسطه آن زندگی‌هایشان را قابل‌فهم می‌کنند، نقش بازی کرده و به پدید آمدن حسی از آگاهی و معنا در ارتباط با موقعیت فرد در جهان و روابطش با دیگران کمک می‌کند (Sisk & Torrance, 2001). به‌طور کلی اندیشمندان در این حوزه، سازه هوش مصنوعی را به‌عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در موقعیت‌های عملی در نظر می‌گیرند. افراد زمانی هوش معنوی خود را بکار می‌گیرند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی و یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند (Emmons, Marshall & Zohar, 2000).

روانشناسی دین از بسترهای مورد پژوهش رابرت ایمنونز استاد روانشناسی دانشگاه کالیفرنیا است. او معتقد به ظهور روندهای جدیدی در این حوزه است که به واسطه باورها، تعهدات و اعمال معنوی مرتبط با موفقیت در زندگی روزانه، پدیدار گشته‌اند. او هوش معنوی را مفهومی دارای پتانسیل برای بنیان ساختن این نظریه می‌داند (Emmons, 2000: 19). از نظر وی زمانی که معنویت قابلیت حل مشکلات و رسیدن به اهداف را در امور روزانه دارد، امکان هوش بودن آن کاملاً روشن است (Emmons, 2000: 20). از این رو ایمنونز هوش معنوی را مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی می‌داند (ساغروانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

ایمنونز در طراحی ساختار هوش معنوی به ۵ جز اشاره دارد که با تحلیل آن می‌توان بنیانی دینی در واکاوی امور داشت.

۱. تعالی فیزیکی و مادی: ظرفیت فکری انسان برای ورد به سطوح متعالی هوشیاری و بالا رفتن از محدودیت‌های جسمانی و عادی.
۲. ورود به سطح معنوی بالاتر: فرد با آگاهی از یک حقیقت غایی ایجاد احساس یگانگی و وحدت می‌کند.
۳. قدسی سازی فعالیت‌ها، رویدادها و روابط زندگی روزمره: تلاش‌های فرد از طریق قدسی سازی به امور معنوی تبدیل می‌شود.
۴. به‌کارگیری منابع معنوی برای حل مسائل زندگی: در مواجهه با انواع مسائل و مشکلات، استرس‌ها و بحران‌های زندگی افراد مذهبی با معناسازی دینی توانایی غلبه بیشتری دارند.
۵. توانایی انجام رفتار فاضلانه: خودآگاهی در دین به‌عنوان هسته اصلی در انجام رفتارهای فاضلانه محسوب می‌شود (Emmons, 2000: 9).

مسئله مهم در تعاریف هوش معنوی قابلیت اثرگذاری و اراده راهبردی برای اجتماعات انسانی است. پاسخ دین و معنادگی به هدف زندگی می‌تواند به هدفمندشدن فعالیت‌های زندگی بیانجامد که نشان‌دهنده تطابق هوش معنوی با زندگی اجتماعی است. در تعاریف ارائه شده تحلیلگران از هوش معنوی، معنی و هدف زندگی ویژگی اصلی هوش معنوی است که قابلیت تبیین و ارائه سایر ویژگی‌های آن را نیز دارد.

۲. پیشینه پژوهشی

با بررسی ادبیات موجود در خصوص هوش معنوی می‌توان این نظریه و بسط آن را در مطالعات ارائه شده توسط محققان خارجی و داخلی ملاحظه کرد. در مطالعات غربی شاخص‌های زیادی برای کاربرد هوش معنوی در زندگی ارائه شده است. برای مثال وگان (۲۰۰۳) مبتنی بر درک معنی زندگی مدلی از هوش معنوی را معرفی می‌کند که بر سه پایه درک عمیق مسائل هستی، آگاهی از سطوح هوشیاری و استفاده از آن و تعامل بین موجودات این جهانی با آن جهانی است. کینگ و همکارانش (۲۰۰۸) با گریز به تفکر انتقادی بر جهان هستی، در معناسازی شخصی، آگاهی و هوشیاری متعالی و بسط آن در حوزه هوش معنوی به تحقیق پرداخته‌اند.

آمرام (۲۰۰۹) در مصاحبه با ۷۱ نفر از پیروان سنت‌های مختلف معنوی (بودیسم، مسیحیت، بت‌پرست، اسلام، صوفی، هندوئیسم، تائوئیسم، یوگا و...) به ویژگی کاربرد معنویت در زندگی‌شان همه آن‌ها دست یافته است. او با پرسش‌هایی که معنویت را در اعمال روزانه آن‌ها می‌سنجد هفت بعد هوشیاری، متانت، معناداری، تعالی، صداقت؛ تسلیم شدن، صلح و هدایت درونی را برای هوش معنوی آن‌ها برآورد کرده است.

در حوزه مطالعات ایران، بسیاری از محققان در بررسی‌های خود به ارزیابی رابطه هوش معنوی با منویات مربوط به زندگی اجتماعی بر اساس نظریات غربی پرداخته‌اند که می‌توان برای نمونه تحقیق را نام برد (شیخی‌نژاد و همکاران ۱۳۸۸، گل‌پرور و همکاران ۱۳۹۳، عابدینی و همکاران ۱۳۹۳ و ...).

اما برخی از تحقیقات در حوزه هوش معنوی در ایران نشان می‌دهد که نگارندگان آن به طراحی و بسط هوش معنوی خارج از طبقه‌بندی‌های موجود در نظریات غربی پرداخته‌اند و بدین‌سان به مفهوم شناختی اسلامی از آن دست زده‌اند. در این رابطه می‌توان به بررسی سهرابی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره کرد که با مطالعه متون دینی و مذهبی در ایران اسلامی شکیبایی، باور به

مذهب و اعمال مذهبی، الوهیت، معنای زندگی، آرامش، تجربیات معنوی، خودشناسی و بخشش را شاخص‌های اصلی هوش معنوی ایرانی‌ها نام نهادند.

یدالله‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در تبیین مفهوم هوش معنوی از اسلام با تفاوت در نشانه‌گذاری این هوش در روانشناسی و کاربرد واژگان خاص برای آن در اسلام، این هوش را بهرمنند از تعبیری مشترک در این حوزه‌ها نمی‌دانند.

حسینی شاهرودی و شایسته (۱۳۹۶) در مقاله «هوش معنوی، مؤلفه‌ها و مبانی آن در حکمت متعالیه» به استخراج هوش معنوی، ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها و مبانی آن در دیدگاه ملاصدرا پرداخته‌اند.

از آنجا که هوش معنوی ریشه در دین دارد و اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین در جهان اصلی‌ترین ظرفیت تبیین این هوش را در خود نهان دارد، می‌توان به اسناد موجود در اسلام مراجعه کرد و ابعاد و شاخصه‌های هوش معنوی را به شکلی بومی برجسته ساخت. قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه‌سجادیه، مفاتیح‌الجنان و سایر متون دینی اسلام با تأکید بر نشانگان دینی بستر مناسبی در این وادی هستند. یکی دیگر از این متون قابل استناد وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره) است که نگارنده آن حضرت امام نه‌تنها با اتصال هوش معنوی در زندگی اجتماعی به پیروزی انقلاب اسلامی دست یافت بلکه با نگاشتن وصیت‌نامه این سرمایه معنوی را به یادگار گذاشت. در این پژوهش تلاش شده است تا شاخص‌های هوش معنوی پیرامون این متن بررسی گردد.

۳. روش شناسی

در این پژوهش برای تبیین و استخراج مؤلفه‌های هوش معنوی وصیت‌نامه امام (ره) با روش کتابخانه‌ای به تحلیل و توصیف متن وصیت‌نامه پرداخته شد. در راستای هدف این پژوهش که همان شناسایی مؤلفه‌های هوش معنوی است، با واکاوی متن، سندنویسی و فیش‌گذاری شد و اهداف مورد نیاز در تکمیل این پژوهش مکشوف گشت.

۴. وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره) و هوش معنوی

با تامل در متن وصیت‌نامه امام (ره)، می‌توان به ابعاد هوش معنوی در کلام و عمل ایشان پی برد. با توجه به بررسی که از نظریه رابرت ایمونز به دست آمد شاخصه‌های ۵ گانه هوش معنوی در این متن جاودان به شرح ذیل قابل تفسیر است.

۴-۱. قابلیت تعالی فیزیکی و مادی

یکی از شئون نظری در اندیشه امام (ره) داشتن تفکری خلاق است که به شکست حصرها و فرارفتن از محدودیت‌ها بیانجامد. می‌توان رشد تفکر انتقادی را عامل تعالی بخش زندگی بشر دانست؛ چرا که مهارت داشتن تفکر نقاد و سازنده می‌تواند به مقاوم - سازی در برخورد با آسیب‌ها بیانجامد. هدف از تفکر انتقادی فهم مسائل، ارزیابی دیدگاه‌ها و حل مشکلات است (شقایق و رضایی کارگر، ۱۳۸۷: ۵۶). و در وصیت‌نامه به وضوح می‌توان آن را یافت. از نظر امام (ره) نقد یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای اصلاح جامعه بشری است: «... انتقاد باید بشود، تا انتقاد نشود اصلاح نمی‌شود یک جامعه. عیب در همه جا هست سر تا پا انسان عیب است و باید این عیب‌ها را گفت و انتقادات را رد کرد؛ برای این که اصلاح بشود جامعه» (صحیفه، جلد ۱۴: ۴۰۱). و نیز در جای دیگر این تخطئه را هدیه‌ای برای رشد انسان‌ها دانسته‌اند (صحیفه، جلد ۵: ۴۵۱). از این‌رو امام (ره) در رسیدن به نگرش منطقی و اصلاح ساختار و بنیان جامعه در مسیر درست‌اندیشی بر گران‌بینی بر فرد و جامعه اهتمام می‌ورزند. تفکر انتقادی در اندیشه امام (ره) بر بنیان خطاپذیری، تربیت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و آزادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد که می‌تواند به شکل‌سازی اجتماعی و مقاومت در برابر آسیب‌های آن دست زند. در رهیافت خطاپذیری ذهن همواره در معرض خطاست. درک و فهم خطا زمینه‌تغییر درک خرد است و این سنجش و نقد و اصلاح را پدید می‌آورد. امام پذیرش خطا را نشانه کمال انسانی و پافشاری بر آن را سرشت شیطانی می‌داند (صحیفه، جلد ۱۸: ص ۷) آنچه در ادامه خواهد آمد نقد درونی خویشتن و جامعه در اندیشه امام است که ره‌آورد کمال طیبه در جامعه اسلامی است.

شخصیت نقدپذیر امام (ره)، استنباط فضای نقد در جامعه، نقد بر خود و اصلاح جامعه در رسیدن به کمال و سعادت محتویات ممکن بر فقرات ذیل می‌باشد.

«... اینجانب، روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مایوس نیستم ...» (وصیت‌نامه، ۱۳۶۸: ۱).

«... وصیت من به گروه‌های مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احیاناً به شرق تمایل نشان می‌دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد گاهی طرفداری می‌کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می‌کردند و طعن می‌زدند، آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند...» (همان: ۵۰).

«... امید آن دارم که نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم...» (همان: ۱۵).

«... نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت میکنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمایید...» (همان: ۴۸).

«... شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است...» (همان: ۵۷).

«... وصیت من به نویسندگان و گویندگان و ... آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید... با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را ... بررسی کنید، ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان ... نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید...» (همان، ۵۲).

خطاپذیری انسان و جامعه انسانی در مسیر تهذیب نه تنها در ابعاد نظری اندیشه ایشان بلکه وجوه عملی آن که حاکمیت راستی و حق بر اجتماع انسانی است، قابل مشاهده است. در این مسیر کنترل بر جامعه و مواجهه با رخداد خطاهای ذاتی جامعه نیازمند نظارت ناشی از چارچوب‌های نظام از یک سو و قواعد و ضوابط نظارتی حاکم در نظام از دیگر سو است.

«اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با بکار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و ... مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و ... دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار نموده است...» (همان: ۱۱).

«... از شورای محترم نگهبان می‌خواهم... چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده... از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند...» (همان: ۳۱).

«... اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیت‌ها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد.» (همان: ۳۲).

«... به وزرای کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکم‌فرما باشد...» (همان: ۳۷-۳۶).

اصلاح در ابعاد انسانی و اجتماعی ماحصل تفکر انتقادی و رشد متعالی محسوب می‌گردد. در حقیقت با نقد، تغییر در کنش و منش انسان و بالطبع آن اجتماع رخ می‌دهد. در وصیت‌نامه امام (ره) هم به اصلاح انسان و جامعه در پرتوی الطاف خداوندی (امام-خمینی، ۱۳۸۱: ۱۷). و هم به‌ضرورت تربیت‌پذیری دینی در راستای حل مسائل اجتماعی اشاره شده است.

«... قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری، از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده «علم‌السماء» را از شر شیاطین و طاغوت‌ها رها سازد و جهان را به قسط وعده رساند و حکومت را به دست اولیاء اهل، معصومین بسپارد تا آنان به هر که صالح بشریت است بسپارند...» (وصیت‌نامه، ۱۳۶۸: ۴).

«اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و ... در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد» (همان: ۱۱).

ضرورت تربیت‌پذیری و بسط نهادهای آن در جامعه اسلامی یکی از روش‌های مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است. امام (ره) در وصیت‌نامه خویش به حفظ علوم اسلامی تربیتی و هدف‌گذاری مراکز تعلیم و تربیت در این وادی تأکید داشته‌اند.

«اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خرابکن بر ملت محروم غارت‌زده تحمیل نمی‌شد...» (همان: ۴۰).

«اگر شخصیت‌های پاک‌دامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش... از دانشگاه‌ها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستم‌شاهی و... در هم پیچیده بود...» (همان)

«... و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی است» (همان: ۳۶-۳۵).

«... به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود درصد است بدر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت نمایند؛ و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند... و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است...» (همان، ۲۳).

مسئولیت جمعی ناشی از اختیار و آزادی از دیگر وجوه هوشیاری است که با توان فکری خلاق بشر به تعالی می‌رسد. در نزد امام (ره) اراده انسانی بشر را به سعادت واقعی سوق می‌دهد. «... صراط مستقیم یک سرش به طبیعت است یک طرفش به الوهیت... و انسان از طبیعت شروع می‌شود، تا آینده برسد... اختیار با شماس است که این دو راه را اختیار کنید...» (صحیفه، جلد ۸: ۳۲۷). در نظر امام (ره) اختیار عنصر ایجاد مسئولیت فرد در قبال اعمال خویش است (صحیفه، جلد ۸: ۳۸۷-۳۲۸). از این رو رسیدن به اهداف جامعه اسلامی نیاز به پشتکاری دارد که با مسئولیت‌پذیری و اهتمام بر آن ممکن است.

«... همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتیه؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است...» (وصیت‌نامه، ۱۳۶۸: ۳۱).

«... باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند؛ و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید» (همان: ۲۵).

«... وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات و کلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی... را به مجلس بفرستند...» (همان، ۲۸).

«... وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده‌کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید» (همان، ۲۸).

«... وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادیخواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می‌کند، چنانچه امروز وفادارید، در وفاداری استقامت کنید» (همان: ۴۳).

آزادی از پیش‌فرض‌های مهم تعالی است که کاربرد سازنده آن می‌تواند به توسعه و رشد اجتماع برسد. از این‌رو در کلام امام (ره) توجه به آزادی و نقد سازنده با آن یکی از پایه‌های شکل‌گیری و رشد جامعه و حکومت اسلامی است.

«... بی‌طرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و ... کیفیت عمل آنان با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید» (همان: ۲۰).

«... اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش‌آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است...» (همان، ۲۶).

«... چه مصیبت بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گران‌بها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند» (وصیت‌نامه، ۱۳۶۸: ۳۹).

«... به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش‌روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خودخواهید نشانند» (همان، ۵۹).

۴-۲. توان به‌کارگیری منابع معنوی برای حل مسائل زندگی: معناسازی دینی

معناسازی به شناخت انسان از بهای گوهر وجودی‌اش اشاره دارد. اگر انسان به معنایی از خود و آنچه هست و باید باشد برسد پایه‌های پلیدی و آنچه بر وی زحمت می‌نهد را در خواهد کوبید. امام (ره) معنایی را در حوزه دین تفسیر می‌کند و آنچه می‌تواند به انسان، نگرش او به خود، اعمال، رفتار و اهدافش معنا دهد داشتن بینشی دینی و معنویت است. در جامعه اسلامی اسلام شیعی نقش مهمی را در معنادهی به جامعه‌ایمانی بازی می‌کند. هر یک از نصوص و سلوک آورده شده در فقرات زیر برترین مسیر معناسازی انسان در جامعه خویش است.

«... به اسلام و قرآن مفتخر است به‌عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد...» (همان: ۴).

«... ما مفتخریم به کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است...» (همان: ۵-۴).

«... توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی... که به صراطی که خداوند به آن‌ها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار بوده، و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکنید» (همان: ۷).

«از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت... پیروی کنند. از آن جمله از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌ها است، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه الهی است، ذرهای منحرف نشوند» (همان: ۸).

بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از وصیت‌نامه امام (ره) به آسیب‌هایی اشاره دارد که با معناسازی در پرتو دین می‌تواند فنا یابد. از این نظر ظلم، ستم، استعمار و هر آنچه بر سر مردم آمده و می‌آید ناشی از عدم شناخت از گوهر وجودی خویش است. امام راحل در بحث معناسازی تأثیر آن برکنش‌های اجتماعی نه‌تنها حوزه دین را بنیان قلمداد می‌کنند بلکه تفاسیری غفلت از خویشتن بر اساس غفلت از دین و در دام شیطان نهاده شدن و نتیجه آن بر باد رفتن را، نیز در جای‌جای متن وصیت‌نامه می‌نگارند.

«... انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه‌گذاری کردند... این بنیان کج به جلو آمد کجی‌ها و انحراف‌ها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم... چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به‌جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد» (همان: ۳).

«خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضدقرآنی؛ و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم دریافت کرده بودند و ندای آئی تارک فیکم الثقالن در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده...» (همان).

«... آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و بازکردن راه برای استعمارگران خونخوار است» (همان: ۱۵).

«...از جمله نقشه‌ها... بیگانه‌نمودن کشورهای استعمارزده از خویش، و غربزده و شرقزده نمودن آنان است به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند... دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند... و قصه این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است» (همان، ۲۴-۲۳).

«...ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه‌داشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفته‌ای خود و قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست‌زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده...» (همان، ۲۴).

«...آنچه انسان‌های شبیه به اینان (ابقدرت‌ها) به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب» (همان، ۲۶).

«امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد... خشی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه برانداز است... مسلمین... در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.» (همان، ۱۳).

اما در کنار معناسازی در خویشتن در سایه دین و منویات آن، بلند نظرانی در تاریخ جوامع وجود دارند که آنچه می‌بینند و آنچه کلام می‌نهند عین حقیقت است و افراد می‌توانند به بینش و نگرش آن‌ها اعتماد و مسیرشان را برگزینند. اینان نیرنگ‌ها و مقاصد مفسد را شناخته و از آن تبری می‌جویند و با مقابل بی‌خردان که بر اساس ظواهر می‌گویند و عمل می‌کنند و برای سایرین متحمل زحمت می‌شوند، مقابله می‌کنند. در متن وصیت‌نامه بسیار بر دوری از کذابان حقیقت و پیروی از منادیان معرفت تأکید که تمسک به هر کدام نزول یا صعود انسانی و اجتماعی است. برترین منادیان زندگی افراد پیامبران، امامان و ولایت منصوبی فقیه برای اداره جامعه است که در فقرات ذیل به چند مورد آن اشاره شده است.

«...ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رهاکردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است» (همان: ۳).

«...ما مفتخریم که ائمه معصومین، از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی... که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند...» (همان: ۵).

«...حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشان اسلام و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند» (همان: ۱۶-۱۵).

«...توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند... هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند.» (همان: ۲۳).

«...آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند» (همان، ۱۵).

۴-۳. توان ورود به سطح معنوی بالاتر و قدسی‌سازی فعالیت‌ها، رویدادها و روابط زندگی روزمره

الگوی نظری و عملی امام راحل در رسیدن زندگی به کمال طبیعه دارای آموزه‌هایی روشنگرانه است. این الگو دارای ظرفیت رساندن به آگاهی متعالی است که در ظرف دین نسخه‌ای در تربیت و رشد جامعه‌ایمانی است. در وصیت‌نامه امام (ره) جوهر این آموزه‌ها همان دین، معنویت و کاربرد آن در زندگی است که باید پاسداری شود و در مسیر حقیقی آن که همان سیر و سلوک

نبوی (رسالت پیامبران و امامان) است ارزش‌گذاری گردد. در فقرات ذیل مهم‌ترین مسیر قدسی سازی زندگی مادی پیروی از الگوی معصومین و منتخبان آن‌ها در جوامع امروزی یعنی الگوی ولایی فقهای شیعه است.

«... ما مفتخریم که به همه ائمه معصومین (ع) و متعهد به پیروی آنانیم» (همان: ۵).

«... از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به‌طور شایسته... پیروی کنند و از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌هاست، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند...» (همان: ۸).

«... قیام برای نظام‌دادن به حوزه‌ها الزام و ضروری است؛ که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند» (همان: ۳۵).

«... اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کجروپها، و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استثمار و استثمار و استعمار، و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه، و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود» (همان: ۱۴).

در نظر امام (ره) عمل در مسیر معنویات و گام‌نهادن در سلوک نبوت و امامت می‌تواند برای جامعه عزت و استقلال به بار آورد. ایشان بسیار توصیه نمودند که از معنویات در برابر دست‌اندازی بیگانگان و نااهلان محافظت کنید تا بتوانید به پیشرفت دست یابید. چه بسیار معاندان جامعه اسلامی با انحراف در دین یا ستیز با آن از منابع درونی ملت بهره‌برداری کردند و برای جامعه محرومیت و وابستگی به بار آوردند. منافع معاندین حکم می‌کند که اسلام و روشنگری‌هایش ریشه‌کن شود یا به امری عبادی و در پستوی خانه‌ها تنزل یابد. در نظر امام (ره) توصیه به محافظت و پیروی از دین و عمل به دستورات آن و همراهی با رسالتمندان آن، آگاهی متعالی بشر است و اگر زندگی اجتماعی بشر با آن عجین گردد موجبات سختی و آسیب بر جامعه از بین می‌رود.

«... اکیداً توصیه می‌کنم که به بوق‌های تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرا ندهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرت‌ها تأمین شود» (همان، ۲۳).

«... اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت» (همان، ۴۰).

«... از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان...» (همان: ۱۱).

«... از توطئه‌های مهمی در قرن اخیر... تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها... به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است نمیتواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است» (همان: ۱۳).

«... تبلیغات ابلهانه و گاهی مودبانه و شیطنت‌آمیز به گونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام ... با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی... انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه این‌ها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیای عظام است» (همان: ۱۴).

«... از دبستان‌ها تا دانشگاه‌ها کوشش شد که معلمان و دبیران و... همه از بین غرب‌زدگان یا شرق‌زدگان و منحرفان از اسلام انتخاب ... و معتمدان مؤمن در اقلیت قرارگیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً، و اسلام بخصوص، و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان، متنفر باشند...» (همان: ۲۲).

تمسک به علوم اسلامی در نزد امام (ره) تنها معرفی و روشنگری در باب وجوبات و تهدیدات نیست بلکه عمل به آن نیز مورد تأکید ایشان است. هر آنچه جامعه اسلامی با همت و تلاش در راه معنویت (مبارزه با استکبار) انجام دهند عمل به دین محسوب می‌گردد.

«بانوان و زنان و ... در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند... و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و نا‌آشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آن‌ها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده...» (همان، ۶).

«...به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که ... حکومت‌های طاغوتی را که چپاولگرانی بی‌فرهنگ و زورگویانی تهی‌مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید» (همان: ۲۱).

«...به همه نسل‌های مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز... دانشگاه‌ها را از انحراف و غرب و شرق‌زدگی حفظ و پاسداری کنید، و با این عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرت‌های بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید» (همان: ۲۸).

۴-۴. توانایی انجام رفتار فاضلانه (خودآگاهی)

از آنجا که انسان اشرف مخلوقات است و توانایی انجام هر کاری به اذن خداوند در او تعیین شده است؛ چنین انسانی اگر در جستجوی مطلوب به خود اعتماد کرده و توانایی‌های بالقوه خود را بشناسد و باور کند به گوهر مطلوب دست خواهد یافت و به رای‌العین درخواهد یافت که «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد» (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵). در اندیشه و عمل امام (ره) باور به خود و اعتماد به توانایی‌های خویش می‌تواند جامعه را به جای وابستگی متکی بر خود کند و ظلم و جور را از آن برهاند. چه آنکه در نظر امام (ره) اسلام دارای ظرفیت‌هایی است که با تاثیرگذاری بر افراد می‌تواند این بیگانگی را طرد و به سوی شناخت فطرت عملگرا سوق دهد. در فقرات زیر امام (ره) شکوفایی و رشد انسانی را در رهروی از دین دانسته‌اند که اگر در این ظرف انسان خودش را بشناسد می‌تواند خودش از هر انسانی و جامعه‌اش از هر جامعه‌ای برتری یابد و به استقلال برسد.

«...بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را ... در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه‌چیز را دارد و آنچه انسان‌های شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب...» (وصیت‌نامه، ۱۳۶۸: ۲۶).

«... نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی‌رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند... در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمت‌های ارزان تر عرضه کرده...» (همان: ۲۶-۲۵).

«...به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همان‌ها که از ساختن هرچیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس می‌نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند» (همان: ۴۴-۴۳).

اما این فضیلت‌های رفتاری و عملی تنها زمانی نتیجه‌مند است که در رسیدن به آن سختی‌هایی متحمل شود. امام (ره) توسعه و پیشرفت حاصل از خوداتکایی را در فضایی چون تحمل سختی‌ها و وحدت و همراهی در رسیدن به آن امر می‌داند. همچنین بر

این باور، رفاه و ثروت و بردگی و اضمحلال در آن نمی‌تواند به آن پیشرفت رسد. پس رفاه، تن‌پروری و بی‌همتی مانع خودباوری است.

«... جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند» (همان: ۱۵).

«... در جهان حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است» (همان: ۵۹).

«... شما هم خواهید رسید (پیشرفت) به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه... از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه‌چیز بسازند» (همان: ۲۶).

«... از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بندوباری‌ها ... نکنند» (همان).

«اسلام... شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگی‌ها و پیوستگی‌ها به قدرت‌هایی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب‌مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم‌پذیری نگه می‌دارند نجات می‌دهد، و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی...» (همان: ۴۳).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مؤلفه‌ها و ابعاد مطرح‌شده برای هوش معنوی که عبارت بودند از قابلیت تعالی فیزیکی و مادی، توان ورود به سطح معنوی بالاتر و ایجاد تقدس در فعالیت‌ها، رویدادها و روابط زندگی روزمره، به‌کارگیری منابع معنوی برای حل مسائل زندگی و انجام رفتار فاضلانه عموماً در بطن کلام، توصیه‌ها، تمهیدات وصیت‌نامه امام (ره) قابل استنباط است که این خود نشانگر شخصیت هوش دینی ایشان است. وصیت‌نامه ایشان هر چند در کوچکی مقاله حاضر نمی‌گنجد و تنها به ارائه چندی مثال بر آن بسنده گردید، با این حال تلاش شد تا ظرفیت‌های نظری و راهبردی آن را که نسخه رسیدن به کمال و سعادت است، عیان گردد.

هوش معنوی بیانگر نگرش هوشمندانه دینی به مسائل پیرامونی و تأثیر آن بر رخدادهای فراروی بشر است. امام (ره) که خود سرشار از هوش معنوی‌اند با ارائه توصیه‌ها و طرح نظریات و پیشنهادها در مسیر بالقوه به بالفعل بسیار همت گمارده و بازماندگان را در پیشبرد مصالح دنیوی بر مآخذ دینی بر این پایه نیل می‌دهند. چرا که بر این اعتقادند که حرکت در مسیر اسلام و عمل بر اساس آن انفعال و بیگانگی فرد را می‌زداید.

توان تعالی ایمونز با تفکر خلاق تأثیر مستقیمی بر زندگی و وقایع پیرامونی دارد. این عنصر در وصیت‌نامه عاملی برای درک خطایای ملت از گذشته تا به امروز، تربیت‌یافتگی در دامان حق و حاملان آن و مسئولیت در جزم عزم ملت در مقابل هر گونه بیداد و همچنین رهایی ملت از بغض، کینه و وابستگی است. دیگر عنصر ایمونز به‌کارگیری منابع معنوی برای حل مسائل زندگی که با معناسازی فرد قالب اصلی زندگی انسان در نگاه امام (ره) است که در پرتو دین امکان‌پذیر است.

ورود به سطوح والای معنوی و قدسی کردن امور ایمونز در وصیت‌نامه با اشاره به امکان ایجاد تعالی در زندگی بشری با تمسک به ابعاد و آموزه‌های معنوی در عمل می‌تواند به سرسختی با ناهلان و منادیان جور و ستم بپردازد. در نهایت خودآگاهی در ساخت فضیلت با شناخت انسان از خود در پرتو کمالات متعالی دین، بالقوه را به بالفعل تبدیل می‌کند که تحمل رنج و سختی‌های دنیوی و دوری از تجملات طاغوتی از مظاهر آن است و سبب مردودیت وابستگی و رهایی از چنگ ظلم و جور می‌شود. با تطبیق هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی رابرت ایمونز در جای‌جای وصیت‌نامه امام (ره) مشخص شد که ایشان بر دین که سازنده نهاد و عامل معنادهی به درون و تجلی حق در باطن انسان است تأکید دارند. این نهاد یافته هوش معنوی است که می‌تواند کشتی نجات و عامل وصل به خیرات باشد.

کتاب‌نامه

- حسینی‌شاه‌رودی، مرتضی و شایسته، ریحانه، (۱۳۹۶)، «هوش معنوی، مؤلفه‌ها و مبانی آن در حکمت متعالیه»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، دوره ۱۹، شماره ۱، پیاپی ۷۷، صص ۳۲-۷.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۸)، وصیت‌نامه.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۱) صحیفه‌امام: مجموعه آثار امام‌خمینی، جلد ۱ تا ۲۲، موسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (ره)، چاپ هفتم.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۷)، پله پله تا ملاقات خدا، تهران: نشر سخن.
- سهرابی، فرامرزی، (۱۳۸۷)، «مبانی هوش معنوی»، مجله سلامت‌روان، شماره ۱، صص ۱۸-۱۴.
- سهرابی، فرامرزی و ناصری، اسماعیل (۱۳۸۸)، «بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن»، فصلنامه پژوهش در سلامت‌روانشناختی، صص ۷۷-۶۹.
- شقاقی، فرهاد و رضایی‌کارگر، فلور (۱۳۸۷)، «تأثیر آموزش تفکرخلاق و نقادانه بر بهزیستی روانشناختی نوجوانان»، فصلنامه تحقیقات روانشناختی، شماره ۵، صص ۶۹-۴۴.
- شیخی‌نژاد، فاطمه و احمدی، گلنار، (۱۳۸۸)، «مدیریت در پرتوی معنوی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۲۰۲، صص: ۵۲-۴۸.
- عابدینی، یاسمین و برات‌دستجردی، نگین، (۱۳۹۳)، «رابطه دینداری و هوش معنوی و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی دانشجویان»، دو فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی، شماره ۱۹، صص ۵۳-۳۷.
- گل‌پرور، محسن، دارابی، نفیسه و خیاطان، فلور (۱۳۹۳)، «ساخت مقیاس فرم کوتاه سرمایه معنوی و بهزیستی معنوی اسلامی، دو فصلنامه علمی پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، شماره ۳۲، صص ۱۸۸-۱۶۷.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۷)، ولایت‌فقیه، تهران: انتشارات تمهید.
- مهرابی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «اقتراحی در متافیزیک هوش معنوی در اسلام»، دو فصلنامه علمی‌پژوهشی اسلام پژوهی دینی، شماره ۲۹، صص ۳۰-۵.
- وست، ویلیام، (۱۳۸۳)، روان‌درمانی و معنویت، ترجمه: شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن، تهران: انتشارات رشد.
- یدالله‌پور، محمد هادی و فاضلی‌کبریا، مهناز، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی هوش مفهوم هوش معنوی از منظر روانشناسی و اسلام»، نشریه اسلام و سلامت، شماره ۱، صص ۵۷-۴۸.
- Amram, J. Y. (2009), The contribution of emotional & spiritual intelligence to effective business leadership, Doctoral dissertation, pal alto, California.
- Emmons, R. A. (2000), Is Spirituality intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. The International Journal for the Psychology of Religion, 10(1): 3-26.
- Gibbons, P. (2001), Spirituality at work: A pre-theoretical overview. MSc. Thesis Brinbeck College, University of London.
- Gracia, C. (2012), "Spiritual capital: The new border to cross". Ramon Llull Journal of Applied Ethics, 3 (3): 120-132.
- King, D. B. (2008), Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model & measure. Unpublished master's thesis. Trent University. Peterborough, Ontario, Canada.
- Sisk, D. A. & Torrance, E. P. (2001). Spiritual Intelligence: Developing Higher Consciousness. Buffalo, NY, Creative Education Foundation.
- Vaughan, F. (2003). What is spiritual intelligence?, Journal of Humanistic Psychology, 2, 42-48.
- Waetford, C. M. R. (2007), "A literature review of spiritual capital, developments of spirituality in the workplace, and contributions from a Māori perspective", New Zealand, University of Auckland, Unpublished Bachelor Dissertation in Management and Employment Relations.
- Wolman, R. (2001), Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters. New York: Harmony.
- Zohar D. & Marshall I. (2004), "Spiritual Capital: Wealth We Can Live By. San Francisco: BERRET - KOEHLER Publishers, INC.